

معمای آئیلیا / ایلیا در سال‌های آغازین دوره اسلامی

تعمقی در سیر تحول جایگاه شهر اورشلیم در جهان اسلام
با استناد به کتیبه‌های موجود در قبة الصخره و نخستین
سکه‌های باقی‌مانده از دوره اسلامی

۳۳-۵۱

— دیوید یاکوبسون
ترجمه: احمد احمدی

The Āliyā / Ilyā puzzle in the early years of the Islamic era
Reflecting on the evolution of the city of Jerusalem in the Muslim world based on the inscriptions available in Qobbat os-Sakhre and the first coins left over from the Islamic period

Abstract: After the Arabs conquered Jerusalem in the year 638, the name of the city remained intact for almost a century, except for the slight change that only the Latin title Āliyā became to some extent Arabic and turned into Ilyā. The evidence of this claim – that the name has been around for a century – are the coins and stamps remained from the Umayyad era. It was from the early years of the ninth century [the late second century A.H.] that the name Ilyā was replaced by al-Quds, and this change happened because of the sacred state of Jerusalem. This research intends to find an explanation for this delay in the change of the name by relying on the oldest surviving sources of the Umayyad era, such as coins of this age, as well as the oldest surviving building, Qobbat os-Sakhre. Also, new observations and comments on this Islamic monument and its special mosaic facade have also been presented and analyzed. Finally, we put different evidence together to have a new look at the one-hundred-year survival of the name Ilyā for Jerusalem.

Key words: Jerusalem, Āliyā Cāpitolinā, Ilyā, Qobbat os-Sakhre, Abdul Malik bin Marwān, Temple of Solomon, Early Islamic Coins

لغز آئیلیا / ایلیا في السنين الأولى من العصر الإسلامي

الخلاصة: فتح العرب مدينة أورشلیم سنة ٦٣٨ الميلادية (١٦ أو ١٧ الهجرية)، وبقي اسمها لمدة قرن تقريباً دون أي تغيير سوى أمر بسيط هو تبديل اسمها اللاتيني (آئیلیا) ليصبح (إیلیا) الأكثر قرباً للغة العربية. وما يؤيد الادعاء ببقاء هذا الاسم لمدة قرن تقريباً هو ما نلاحظه على المسكوكات والأختام الباقية من العهد الأموي.

ومنذ السنوات الأولى من القرن التاسع الميلادي (أي أواخر القرن الثاني الهجري) بدأ لفظ (إیلیا) يتوارى ليحل محله لفظ القدس (Al-Quds)، وذلك بسبب المكانة المقدسة التي كانت تتمتع بها مدينة أورشلیم. والبحث الحالي يهدف إلى العثور على تفسير للسبب في هذا التأخير في تغيير اسم المدينة، وذلك بالاستعانة بأقدم الآثار الباقية من العصر الأموي المتمثلة بمسكوكات ذلك العصر، إضافةً إلى أقدم الأبنية الموجودة من عهد الحكم الأموي، أي قبة الصخرة.

كما يتضمن المقال استعراضاً وتحليلاً لبعض المشاهدات والآراء الجديدة حول هذا الصرح الإسلامي المقدس وواجهته الموزائكية الخاصة، لينتهي بتجميع الشواهد والأدلة المختلفة وإلقاء نظرة جديدة عليها تستهدف الكشف عن السرفي بقاء اسم إیلیا لمدينة أورشلیم ثابتاً لمدة قرن من الزمان.

المفردات الأساسية: أورشلیم، آئیلیا كاپيتولينا، إیلیا، عبد الملك بن مروان، معبد سليمان، أوائل المسكوكات الإسلامية.

چکیده: بعد از اینکه اعراب در سال ۶۳۸ میلادی [۱۶ یا ۱۷ هجری] اورشلیم را فتح کردند، نام این شهر تا حدود یک قرن تقریباً دست نخورده ماند؛ با این تغییر کوچک که فقط عنوان لاتین آن که آئیلیا بود کمی عربی گردید و تبدیل به ایلیا شد. شاهد این مدعا - ثابت ماندن نام تا حدود یک قرن - سکه‌ها و مهرهایی است که از دوره اموی باقی مانده است. از سال‌های ابتدایی قرن نهم میلادی [اواخر قرن دوم هجری] بود که عنوان ایلیا جای خود را به لفظ قدس (al-Quds) داد، دلیل این نام‌گذاری هم جایگاه قدسی‌ای بود که اورشلیم داشت. این پژوهش در نظر دارد تا با تکیه بر قدیمی‌ترین منابع باقیمانده از دوره اموی نظیر سکه‌های این عصر و همچنین قدیمی‌ترین بنای باقیمانده از عصر حاکمان اموی، یعنی قبة الصخره توضیحی برای این تأخیر در تغییر نام پیدا کند. همچنین مشاهدات و نظرات جدید درباره این بنای مقدس اسلامی و نمای خاص موزاییکی‌اش آورده و تحلیل شده است. و در نهایت شواهد و مدارک مختلف را کنار هم چیده‌ایم تا با نگاهی نوبقایی یک صد ساله نام ایلیا برای اورشلیم را بررسی کنیم.

کلمات کلیدی: اورشلیم، آئیلیا کاپیتولینا، ایلیا، قبة الصخره، عبد الملك بن مروان، معبد سليمان، سکه‌های اولیه اسلامی



اورشلیم، قدس یا بیت المقدس؟ دیوید یاکوبسون استاد مهمان کینگز کالج لندن با بررسی فرایند تغییر نام یک شهر مهم در تاریخ ادیان ابراهیمی، نگاهی تاریخی به جایگاه شهر بیت المقدس در منابع اسلامی داشته است. نویسنده کوشیده است با ارائه تاریخی از شهر در دوره های پیش از اسلام و همچنین سال های آغاز فتوحات و دوره عبدالمکمل بن مروان، چرایی تغییر نام اورشلیم به ایلیا و از ایلیا به بیت المقدس و قدس را بررسی کند. در واقع یاکوبسون تلاش کرده است با محور قرار دادن فرایند تغییر نام این شهر مهم، چگونگی اهمیت یافتن شهر بیت المقدس در قرن اول هجری را از خلال منابع مکتوب، معماری عمارت های قبة الصخره و مسجد الاقصی و سکه های باز مانده از قرن اول تا سوم هجری، بررسی و تبیین کند. شیوه بررسی او هم عمدتاً تمرکز بر معماری قبة الصخره و بررسی کتیبه های قرآنی و غیر قرآنی موجود در این بنا و همچنین سکه های دوره رومی و دوره اسلامی است و از این مجرا سعی می کند شواهد گوناگون را کنار هم قرار دهد و در ادامه با استناد به این مدارک و همچنین مطالعات دیگر پژوهشگران معاصر، توجیه یا پاسخی برای اهمیت امروزی بیت المقدس در دنیای اسلام بیابد. فارغ از نتیجه ای که دیوید یاکوبسون می گیرد و پاسخی که برای پرسشش می یابد، تلاش محققانه او برای یافتن پاسخ سؤال و بررسی طیف مهمی از منابع تاریخی موجود ارزشمند است. امید است این ترجمه، محملی برای کار و پژوهش بیشتر در این حوزه باشد.

۱. پیشینه

شورش بزرگ یهودیان علیه امپراتوری روم برای یهودیان استان یهودیه پایان فاجعه باری داشت و آن عبارت بود از ویرانی کامل پایتخت تاریخی و معبد باشکوه ایشان. یوسف فلاوی^۱ تاریخ نگار یهودی که جنگ را از نزدیک شاهد بوده است، ویرانی ناشی از فتح روم را این گونه توصیف می کند:^۲

سزار تیتوس دستور داد تمام شهر و معبد مقدس با خاک یکسان شود. تنها اجازه داد برج های بلند مرتبه فضایل^۳، هیپیکوس^۴ و مریام^۵ و همچنین بخشی از دیوار محیط بر سمت غربی شهر باقی بمانند. دیوار را به عنوان محلی جهت اردوی آن بخشی از لشکر که در شهر می ماند [از لژیون دهم] نگه داشت و برج ها را نیز برای این نگه داشت تا به آیندگان ماهیت شهر را نشان دهد و نشانی باشد برای آنان از قدرت دفاعی شهری که سرانجام مجبور شد در برابر توانایی و عظمت روم تسلیم شود و تمام قسمت های باقی مانده دیوار شهر با خاک یکسان شد تا به کسانی که در آینده به این مکان می آیند نشان داده شود که

1. Josephus.
2. Jos., BJ 7.1
3. Phasaël.
4. Hippicus.
5. Mariamme.

گویی هیچ‌زمان در این مکان انسانی نمی‌زیسته است. این بود فرجامی که جنون انقلابیان برای اورشلیم، این شهر باشکوه شهره جهان، رقم زد.

این توصیف در این قطعه از اناجیل به عنوان یک «پیشگویی» ظنین می‌یابد، حال آنکه نمایانگر اطلاع [پیشین] از تخریب اورشلیم است، بدان گونه که اتفاق افتاده است:^۶
 مسیح پاسخ داد: «آیا این ساختمان‌های با عظمت را می‌بینی؟ حتی یک سنگ در این مکان باقی نخواهد ماند؛ همگی فرو خواهند ریخت».

به همین طریق نویسنده انجیل یوحنا^۷ نیز نقل قولی پیش‌گویانه از کاهنان اعظم و فریسیان می‌آورد:^۸
 رومیان خواهند آمد و هم قصر (معبد مقدس) و هم ملت ما را تصاحب خواهند کرد.

اورشلیم بعد از این ویرانی همچنان ویرانه ماند تا اینکه هادریانوس تصمیم گرفت شهر را بازسازی کند، اما نه برای یهودیان. آن‌طور که دیون کاسیوس^۹ مورخ و سخنور اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم میلادی نوشته است:^{۱۰}
 او (هادریانوس) در اورشلیم به جای آن شهر که ویرانش کرده بودند شهری بنا کرد و آن را آئیلیا کاپیتولینا^{۱۱} نام نهاد و در مکان معبد مقدس خداوند، معبدی جدید برای ژوپیتر بنا کرد.^{۱۲} این کار او جرعه‌ای برای آغاز یک جنگ بود، جنگی مهم و البته طولانی؛ چراکه یهودیان نمی‌توانستند بپذیرند که غیرهم‌نژاد خودشان در اورشلیم ساکن شده و آداب دینی‌ای غیر از آداب خودشان در شهر بنیاد نهاده شود.

منظور دیون کاسیوس از «جنگ» حادثی است که منجر به شورش بار کوخبا^{۱۳} در سال‌های ۱۳۲ تا ۱۳۵ میلادی شد.^{۱۴} در این زمان بود که مرکز سابق استان یهودیه به یک کولونی رومی نشین تبدیل شد؛ یعنی همان آئیلیا کاپیتولینا که به عنوان مکانی برای نظامیان رومی و خانواده‌های آنان در نظر گرفته شده بود. در کنار آن نیز کمپ لژیون دهم بود که تیتوس ایشان را بعد از ویرانی اورشلیم به عنوان هسته مرکزی شهر در کنار دیوار غربی ساکن کرد.^{۱۵}
 مارکوس ترنتیوس وارو^{۱۶} (۱۱۶ تا ۲۷ قبل از میلاد) محقق و لغت‌نویس رومی رسوم رومیان. اخذ شده از اتروسکانیان. ساخت شهر جدید را این‌گونه توصیف می‌کند:

... با دسته‌ای از احشام، یک گاو نرو یک گاو ماده در میانشان، با یک خیش شیاری در زمین ایجاد کردند (بنا به دلایل مذهبی ایشان این عمل را در روزی مبارک و فرخنده انجام می‌دادند) بدین معنا که آنها را با یک خندق و دیوار مستحکم خواهد ساخت.^{۱۷}

6. Mk 13.2 [NIV translation]; Mt 24.2; Lk 21.6.

7. John's Gospel.

8. Jn 11.48.

9. Cassius Dio.

10. Dio 69.12.1.

11. Aelia Capitolina.

۱۲. این احتمال وجود دارد که گرچه ساخت معبدی برای خدایان کاپیتولین در مکان معبد هرود آغاز شد، ولی هیچ‌وقت از مرحله ساخت شالوده آن فراتر نرفت. در قرن چهارم میلادی تمام آن چیزی که در مکان معبد سابق قابل دیدن بود، همان صخره (Pierced rock) بود که نمایان‌گر قله کوه موریا بود (Itin. Burdig. ۵۹۱، ۶). همچنین در همان حوالی دو مجسمه باشکوه نیز وجود داشت. یکی مربوط به اسب‌سواری هادریانوس است که اوریجن (Origen) مورخ قرن دو سه میلادی وجود آن را تصدیق کرده است (C.Matt. 24.15[fr. 469, iv]) و دیگری هم مجسمه زائراهل شهر بود و بود (Wilkinson. 591.4) (Itin. Burdig. 591.4).
 1976, 77-78 را ببینید.

13. Bar Kokhba rebellion.

۱۴. شواهدی که مدعی دیون کاسیوس مبنی بر مقدم بودن ساخت آئیلیا کاپیتولینا بر شورش بار کوخبا را تقویت می‌کند، به اجمال در اینجا 169-76 Mor 2012، بررسی شده است. (Di Segni (2014) در این مقاله خود در این باره که بازسازی آئیلیا کاپیتولینا قبل‌تر از ۱۱۷ میلادی بوده است استدلال‌هایی مطرح می‌کند.

15. Jos. BJ 7.2-5; cf. Di Segni و Tsafir 2012, 406.

16. Marcus Terentius Varro.

17. Varro, Ling. 5.143.

در این آیین شیار نمایش خندق (fossa) بود و زمینی که شخم زده می‌شد، نمایش بارو و استحکامات (agger) ساختار شهری جدید بود. در مورد آئیلیا کاپیتولینا، آیین ساخت (condita) شهر جدید آئیلیا کاپیتولینا بایستی به وسیله حاکم رومی محلی منطقه تینیوس روفاس انجام می‌شد. این موضوع را به وضوح در سکه یادبودی که در زمان هادریانوس به این مناسبت ضرب شده است، می‌توان دید (تصویر شماره ۱). تاریخ ضرب این سکه احتمالاً حدود ۱۳۰ میلادی و اندکی قبل از وقوع شورش بار کوخبا بوده است. درفش نشان داده شده در سکه که نمونه‌ای است از یک پرچم و درفش جنگی، در واقع نمادی است برای نشان دادن این نکته که شهر جدید مکانی برای اسکان نیروهای نظامی و همچنین مرکز فرماندهی لژیون دهم فرتنسیس بوده است.^{۱۸} یهودیان محقانه این اقدام روفاس را به منزله شخم زدن پایتخت مقدس خود، یعنی اورشلیم به حساب آوردند.^{۱۹} در حال ساختن آئیلیا کاپیتولینا در عمل نشان دهنده محو شدن اورشلیم و در ادامه نفی پایتختی این پایتخت باستانی یهودیان بود. یهودیان فقط یک روز از سال می‌توانستند وارد آئیلیا کاپیتولینا شوند. آن روز هم احتمالاً روز نهم آب^{۲۰} بوده است. این روز بنا بر روایتی روزی است که هم معبد نخست و هم معبد دوم در آن روز تخریب شده‌اند.^{۲۱} ایشان در این روز با پرداخت مبلغی با عنوان رشوه اجازه ورود به حرم شریف^{۲۲} و عزاداری در جوار صخره مقدس را داشتند. این موضوع نشان می‌دهد که حرم ایشان سابقاً در کجا واقع بوده است.^{۲۳} ممنوعیت ورود یهودیان به اورشلیم همچنان برقرار بود و فقط در زمان پادشاهی جولیان دوم (از ۳۳۱ یا ۳۳۲ میلادی تا ۳۶۳) این ممنوعیت اندکی تخفیف یافت. بعد از او نیز وضعیت به حال سابق بازگشت تا زمانی که اعراب در سال ۶۳۸ میلادی [۱۶ یا ۱۷ هجری] اورشلیم را فتح کردند و عمر به ۷۰ خانواده یهودی اجازه اقامت در اورشلیم را داد.^{۲۴}



شهرگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تصویر شماره یک: آئیلیا کاپیتولینا (اورشلیم). هادریانوس. ۱۱۷ تا ۱۳۸ میلادی. (جنس سکه: آلیاژی غیر از طلا و نقره. قطر: ۲۲ میلی‌متر. وزن: ۱۰/۴۹ گرم). روی سکه: Laureate and draped bust right; [اصطلاحات انگلیسی خاص در توصیف حالات نقش‌های روی سکه‌های رومی] تصویر سرو گردن پادشاه با پوششی از تاج غار بر سر و رو به راست. متن روی سکه: [I]MP CAES TRAIANO HA[DR]IANO AVG P P. پشت سکه: تیتوس روفاس (?). در حال شخم زدن با یک یوغ، گاو نرو گاو ماده؛ درفش در پس زمینه. متن پشت سکه: COL AEL KA-PIT COND. مرجع سکه: Meshorer 1989, no. 2; Amandry and Burnett 2015, no. 3964. گالری شخصی؛ با اخذ اجازه.

۱۸. درباره کولونی آئیلیا کاپیتولینا و اسکان دادن نظامیان رومی در آنجا این منابع را ببینید:

Isaac 1980/8; Millar 1990, 29.

19. m.Ta'an. 4.6; b.Ta'an. 29a; j.Ta'an. 25b.

۲۰. یکی از ماه‌های تقویم عبری.

۲۱. نابودی معبد سلیمان به وسیله بابلیان و نابودی اورشلیم به دست رومیان. (مترجم)

22. Temple Mount.

23. Itin. Burdig. 591.6; Jer., C. Soph. 1.15.

24. Levy-Rubin 2009; Gil 1996a, 165-71.

محوطه معبد مقدس در دوره‌های بعدی رومی و همچنین دوره بیزانس تا ورود اعراب به این منطقه تقریباً متروک ماند.^{۲۵} به نظر می‌رسد [در این دوره] ناحیه معبد مقدس، کودرا^{۲۶} خطاب می‌شده است.^{۲۷} این عبارت احتمالاً معادل یونانی لفظ لاتینی کوآدرا^{۲۸} به معنای میدان (محوطه) است. بنا برروایتی وقتی اعراب به این ناحیه رسیدند، متوجه شدند که از این محوطه به عنوان زباله‌دانی استفاده می‌شده است.^{۲۹}

از زمان هادریانوس تا دوران باستان میانه^{۳۰} [تقریباً از قرن سوم تا هشتم میلادی] نام آئیلیا کاپیتولینا همچنان به عنوان نام رسمی شهر باقی ماند. همچنین در نقشه‌ها و کاربردهای جغرافیایی نیز از همین نام استفاده می‌شد.^{۳۱} در زمان اعراب و با فتح اورشلیم بود که عبارت ایلیا (که همان عربی شده آئیلیا است) جایگزین آئیلیا کاپیتولینا شد. این نام‌گذاری جدید در نخستین سکه‌های عربی ضرب شده در اورشلیم دیده می‌شود. (تصویر شماره دو) همین لفظ برای مهرهای تجاری سربی شهر در دوره اموی^{۳۲} نیز به کار رفته است و لفظ ایلیا روی تمامی این مهرها درج شده است. در مسیر نشان‌های جاده‌ای که به اورشلیم اشاره دارد نیز از همین عبارت استفاده شده است.^{۳۳}



تصویر شماره دو: عبدالملک بن مروان (دوران خلافت ۶۸۵ تا ۷۰۵ میلادی [۶۵ تا ۸۶ هجری]). فلّس (جنس سکه: آلیاژی غیر از طلا و نقره. قطر: ۲۰ میلی‌متر، وزن: ۳/۲۱ گرم)، ایلیا، ضرب شده در فلسطین (اورشلیم). تاریخ سکه: نیمه دوم بین سال‌های ۶۸۰ تا ۶۹۶ میلادی [۶۰ تا ۷۷ هجری]. روی سکه: خلیفه در حالت ایستاده؛ از سمت چپ به راست تصویر: محمد رسول الله. پشت سکه: M. چپ و راست: ایلیا و فلسطین. مرجع سکه: Album, no. 125; Goodwin 2005, nos. 8-9; Walker 1956, 79. با اخذ اجازه.

این موضوع در روایت‌های نخستین مسلمانان که در قالب حدیث ذکر شده‌اند نیز انعکاس یافته است. برای مثال در روایتی که بخاری از عبدالله بن عباس درباره هراکلیوس آورده، این گونه آمده است: «ابوسفیان بن حرب. پدر معاویه به من گفته است زمانی که کاروانی از قریش را همراهی می‌کردم، هراکلیوس نماینده‌ای نزد من فرستاد».^{۳۴} این برای زمانی است که ابوسفیان و دیگر بخت پرستان قریش با پیامبر خدا در یک متارکه جنگی به سر می‌بردند و ابوسفیان برای

۲۵. خرابه‌های معبد بنا به دلایل دینی در محل باقی گذاشته شدند. برای وضعیت محوطه معبد در دوره بیزانس رجوع شود به: Wilkinson 2002, 357-59.

26. Kodra.

27. Chronicon Paschale in Patrologia Graeca 92, 613.

28. Quadra.

29. Gil 1992, 65-67.

30. Late antiquity.

۳۱ برای مثال از آئیلیا به عنوان شهری یاد می‌شده است که مسافت‌ها را از آن مبدأ اندازه می‌گرفته‌اند 314; see Wilkinson 2002, 314. همچنین در کتاب Onomasticon از اسیوس قیصری و ترجمه و بسط لاتینی آن به وسیله جروم (Jerom) این نکته را می‌توان مشاهده کرد. البته نویسندگان مسیحی دوره بیزانس عمدتاً ترجیح می‌دادند که از نام یروسالیما (نام اورشلیم در بیان یونانی عهد جدید) در نوشته‌های ادبی و دینی خود استفاده کنند.

32. Amitai-Preiss 2015/16, 106-11.

33. El-Awaisi 2011, 15-16.

۳۴. داستان مواجهه هراکلیوس و ابوسفیان، بخشی از مجموعه حدیث محمد بن اسماعیل بخاری (۸۱۰ تا ۸۷۰ میلادی [۱۹۴ تا ۲۵۶ هجری]) را تشکیل می‌دهد.

است که به «تپه مقدس»^{۴۳} داده شد) قرار دارند. دورشته طولانی متن که با موزاییک‌های شیشه‌ای به رنگ آبی و طلایی کار شده‌اند و به ترتیب نماهای داخلی و بیرونی طاق هشت‌وجهی خارجی را محصور می‌کنند، بخشی از طرح تزئینی‌ای را تشکیل می‌دهند که از زمان خلیفه عبدالملک بن مروان باقی مانده‌اند و از جمله نخستین اسنادی هستند که می‌توان کیفیت متون قرآنی قرن نخست را از میان آنها دریافت. به جزیک تغییر جزئی، این کتیبه‌نگاشت‌های موزاییکی به‌طور کامل باقی مانده‌اند و آن هم جایگزینی نام مأمون عباسی (۱۹۸ تا ۲۱۸ قمری، ۸۱۳ تا ۸۳۳ میلادی) به جای عبدالملک اموی است؛ هر چند مأمون تاریخی را که بیانگر زمان نصب این کتیبه‌هاست و همراه نام عبدالملک ذکر شده بود (۷۲ هجری و ۶۹۱ تا ۶۹۲ میلادی) تغییر نداده است. متن کتیبه از قسمت جنوبی بخش داخلی نمای هشت‌وجهی با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌شود و در ادامه هم عبارت آغازین شهادتین می‌آید (لا اله الا الله لا شریک له) با همان بیان و ادبیاتی که پنج سال بعد در سکه‌های اصلاح‌شده زمان عبدالملک دیده می‌شود. در ادامه تعدادی عبارت جدلی آمده است که عمده آنها نقل قول‌های قرآنی است. همچنین طیفی از عبارات دینی در بعضی از نقاط این خط‌نگاشته با ادبیاتی مختلف دیده می‌شوند و ادعیه مختصری هم در بین این خطوط وجود دارد.^{۴۴}



تصویر شماره سه: تصویری از یک سکه اوایل دوره سلطنت اموی. (جنس سکه: آلیاژی غیر از طلا و نقره قطر: ۱۹ میلی‌متر. وزن: ۱/۵۷ گرم) ضرب‌شده در اورشلیم. تاریخ سکه: حدود ۶۶۰ تا ۶۸۰ میلادی [۴۰ تا ۶۰ هجری]. روی سکه: تصویری از یک پادشاه که گوی و صلیب و همچنین یک عصای بلند را در دست گرفته است / نوشته‌ای هم در سمت راست تصویر دیده می‌شود (none). پشت سکه: یک M بزرگ و نوشته‌ای که به صورت ساعت‌گرد می‌چرخد: (متن نوشته) در سمت چپ: [IEP[O] در سمت راست: [C]O[AY] و در پایین: [MWN (= "of the people of Jerusalem")]. مرجع سکه: Goodwin 2005, 87 fig. 1 var. Foss 2009, 44, 133 no. 45; Meshorer 1996, 415-16 no. 1; cf. Album and Goodwin 2002, 90 Gemini, LLC, Auction 7 (9 Jan. 2011), lot 1068. Courtesy Gemini Numismatic Auctions, LLC

به‌طور خلاصه می‌توان گفت محتوای این خط‌نگاشته در نمای داخلی هشت‌وجهی [داخلی] شامل شهادتین و تعدادی از آیات قرآنی است که این آیات قدرت‌های خداوند را تبیین می‌کنند. در ادامه حضرت محمد معرفی شده است و ادعیه‌ای که البته از آیات قرآن نیستند درباره ایشان آمده است. در ادامه و در اعلانی، مسیح پیامبر خداوند شناخته شده و تأکید شده است که او خدا نیست و یک انسان است. همچنین مفهوم تثلیث نیز رد شده است و گفته شده که فقط یک خدا وجود دارد. در نهایت دستوری مبنی بر لزوم باور به دین حقیقی اسلام آمده است. یک یادآوری هم دیده می‌شود درباره کسانی که به وحی الهی باور ندارند که از ایشان پرسش خواهد شد و مجازات

43. Temple Mount.

۴۴ یک ترجمه کامل از این کتیبه ترکیبی به انگلیسی در این منبع آمده است: Blair 1992, 86-87؛ همچنین رجوع شود به: C. Kessler 1970. همچنین یک مجموعه تصویر کامل و خوانا (گرچه در این مجموعه مقداری بدفهمی و همچنین چینش نادرست دیده می‌شود) را نوسیبه (Nuseibeh) و گرابر (Grabar) منتشر کرده‌اند (۱۹۹۶، ۸۲-۱۰۵).

خواهند شد. کتیبه نمای بیرونی هشت وجهی از شش بخش تشکیل شده است که این بخش‌ها به وسیله یک سری تزئینات از هم جدا شده‌اند و بخش‌های آخر این قسمت شامل توضیحات زمان ساخت و سازنده بناست. پنج بخش دیگر همان ساختار محتوایی نمای داخلی را دارند که هر کدام با «بسم الله» آغاز می‌شوند و در چهارتای نخست، این «بسم الله» با شهادتین با همان شرحی که به آن اشاره شد همراه شده است.

پژوهشگران تأکید دارند که تمام این خط‌نگاشته تقریباً یک محتوای اساسی دارد و آن رد کردن الوهیت حضرت مسیح در کنار انکار عقیده تثلیث است و به جای اینها بر یگانگی خداوند تأکید می‌شود و درست همانند عمارت قبة الصخره (خط‌نگاشته شرح داده شده) حاوی یک ردیه سیاسی و کلامی علیه تفوق و برتری مسیحیت و نیز اورشلیم به عنوان مقصد اصلی زیارت مسیحیان است. نکته قابل توجه و آموزنده درباره این خط‌نگاشته که بخش عمده آن آیات قرآن است، اشاره نشدن به آن آیه‌ای از قرآن است که در آن شرح سفر شهبانه پیامبر از مسجد الحرام به مسجد الاقصی آمده است. (سفراسری، آیه نخست سوره اسرا) نکته‌ای که این شواهد بر آن صحه می‌گذارند، ساخته شدن قبة الصخره پیش از شکل‌گرفتن یک باور درباره این مکان است. باوری که می‌گوید سفر معراج پیامبر (سفر پیامبر به بهشت) از صخره زیر گنبد قبة الصخره آغاز شده است.^{۴۵}

عبدالملک بن مروان با ساختن عمارت قبة الصخره بر روی صخره‌ای که باقی مانده و نشانی از معبد مقدس باستانی است، می‌خواست مقدس‌ترین مکان دین یهود را به نفع اسلام مصادره کند. امیکام ایلا^{۴۶} تفسیر اکثریت تاریخ‌نگاران اولیه مسلمان درباره چرایی تصمیم عبدالملک برای ساختن قبة الصخره را که چندین تاریخ‌نگار مدرن هم آن را تأیید کرده‌اند،^{۴۷} می‌پذیرد؛ به این معنا که قبة الصخره به عنوان جایگزینی برای کعبه در نظر گرفته شده بود و دستگاه حاکم [اموی]، مؤمنان و مسلمانان را ترغیب می‌کرد که به جای طواف کعبه، گرد قبة الصخره که معماری دایره‌گونی هم داشت بگردند. دلیل این جایگزینی آگاهانه اورشلیم برای حج هم شورش بود که عبدالله بن زبیر (خواهرزاده عایشه سومین همسر پیامبر) رهبر گروهی از مخالفین در مکه،^{۴۸} علیه امویان در سال ۶۸۰ میلادی [۶۰ هجری] به راه انداخته (که تا زمان مرگش در ۶۹۲ میلادی [۷۳ هجری] ادامه یافت) و کنترل مکه را به دست گرفته بود.^{۴۹} عبدالملک نیز در مقابل تلاش کرد تا چهره مذهبی و سیاسی شام را در مقابله با عربستان ارتقا بدهد. در همین راستا او با تأکیدی که بر مکان معبد باستانی مقدس یهودیان کرد،^{۵۰} تلاش زیادی به انجام رساند تا وضعیت سیاسی و مذهبی اورشلیم را برجسته و تکریم کند.^{۵۱} او با ساختن قبة الصخره در تلاش بود تا امیال و آرزوهای سیاسی خود را پیش ببرد.^{۵۲} عبدالملک با ساخت یک حرم بزرگ گنبدی شکل دقیقاً در مکانی که حضرت داود و حضرت سلیمان آن را تقدیس کرده‌اند، دو پیامبری که معیار فرزاندگی و فضیلت در قرآن‌اند و در روایات عامه مسلمانان هم تحسین شده‌اند، تلاش کرد تا از فضیلت و شکوه این دو نبی به سود خود بهره ببرد و خلافت خود را جانشینی شایسته و برحق برای این دو پیامبر بنمایاند.

خلیفه از طریق این سازه با عظمت که از جنس معماری یادمانی بیزانسی است، در واقع «تمایل و قدرت خود را

۴۵. تاریخ این عقیده که محمد از صخره زیر قبة الصخره به معراج رفته است، به اوایل قرن هشتم میلادی [اواخر قرن اول هجری] برمی‌گردد، یعنی مدتی بعد از ساخته شدن قبة الصخره. این منبع را ببینید: Rabbat 1989, 12.

46. Amikam Elad.

۴۷. در این منبع Elad 1995, 159 and n. 53 این مورخان بر شمرده شده‌اند. امیکام ایلا مانند ناصریت منابع مستند اولیه مربوط به تصمیم عبدالملک برای ساخت قبة الصخره را بررسی کرده است. این منبع را ببینید Elad 2008. برای مرور انگیزه‌های ششمین خلیفه اموی جهت ساختن قبة الصخره این منبع را ببینید Lassner 2017, 151-79.

۴۸. نویسنده در متن اصلی از عبارت «رهبر قبیله‌ای مخالف» استفاده کرده است.

49. Creswell 1969, 65-66.

50. Elad 2008, passim; 1995, 147, 159, 162-63; Kaplony 2002, 38-48.

51. Elad 1992.

52. Rabbat 1989, 17-18; idem 1993, 73.

در استفاده از امکانات و تجربه وسیع بیزانسی جهت ترفیع آرمان‌های مسلمانان نشان می‌داد.^{۵۳} با توجه به نظر رابین لوی^{۵۴} ساختن قبة الصخره در کنار بعضی عوامل دیگر محتملی شد برای به وجود آمدن یک رقابت سیاسی و ایدئولوژیک با دولت بیزانس؛ رقابتی که اواخر سده هفتم میلادی [اواخر قرن اول هجری] شدت یافت. لوی معتقد است همین رقابت و هم‌چشمی عبدالملک را ترغیب کرد تا در محل معبد حضرت سلیمان یک یادمان بنا کند. مکانی که برای مدتی طولانی مسیحیان آن را متروک گذاشته بودند؛ بنایی که در شکوه و عظمت با کلیساهای قسطنطنیه حتی کلیسای ایا صوفیه^{۵۵} رقابت می‌کرد.^{۵۶}

۳. اهمیت حرم شریف در دوره اموی

متأسفانه تاریخ هیچ‌یک از منابع مکتوب عربی و همین‌طور منابع حدیثی که درباره اورشلیم باقی مانده است، به قبل از میانه قرن نهم میلادی [نیمه اول قرن سوم هجری] نمی‌رسد^{۵۷} و همگی بعد از این تاریخ نگاشته شده‌اند. به همین دلیل برای دسترسی به قدیمی‌ترین منابع درباره حرم شریف باید به مکتوبات مسیحیان مراجعه کنیم.^{۵۸} یکی از نخستین توصیفات درباره اورشلیم بعد از ۶۳۸ میلادی [۱۶ یا ۱۷ هجری] نوشته اسقف آرکولف^{۵۹} است که در دهه ۶۸۰ میلادی [۶۰ هجری] ثبت شده است. این مکتوب در کتابی درباره مکان‌های مقدس نوشته ادومنان^{۶۰}، راهب بزرگ جزیره یونا^{۶۱}، برای ما باقی مانده است.^{۶۲} وقایع‌نامه بیزانسی تئوفانس^{۶۳} (درگذشته ۸۱۸ میلادی [۲۰۳ هجری]) مدخلی با عنوان سال ۶۱۲۷ (بر اساس تقویم انومندی^{۶۴} که معادل سال ۶۳۴ تا ۶۳۵ میلادی [۱۳ تا ۱۴ هجری] است^{۶۵}) دارد و در آن اشاره می‌کند که خلیفه دوم، عمر بن خطاب وارد شهر مقدس شد و در جست‌وجوی معبد سلیمان بود. بنابراین ممکن است او این نقطه را مکانی برای پرستش برای هم‌دینان خود قرار داده باشد.^{۶۶} مدخل دومی برای سال ۶۱۳۵ (معادل سال‌های ۶۴۲ تا ۶۴۳ میلادی [۲۱ تا ۲۲ هجری]) اشاره می‌کند که در آن سال، عمر ساختن «معبد» در اورشلیم را آغاز کرده است که احتمالاً همان مسجدالاقصی است.^{۶۷} بنا به گفته کریل مانگو^{۶۸} این اطلاعات از یک وقایع‌نگاری سوری (که اکنون مفقود است) نوشته شده در حدود ۷۸۰ میلادی [۱۶۳ هجری] استخراج شده است.^{۶۹}

افزون بر موارد ذکرشده، دو نقل گرجی در منابع دیده می‌شود که مربوط به نیمه دوم قرن هفتم میلادی اند [حدود

53. Kaplony 2002, 48.

54. Levy-Rubin.

55. Justinian's Hagia Sophia.

56. Levy-Rubin 2017. به عنوان انگیزه و محرک احتمالی برای ساختن قبة الصخره، با احتمال می‌توان درباره ساختمان بیزانسی دیگری که از لحاظ زمانی مکانی به قبة الصخره نزدیک‌تر است سخن گفت. یک کاندیدای مهم برای این منظور، کلیسای گنبددار و هشت‌وجهی واقع در قیصریه است. این کلیسای روی یک سطح مرتفع ساخته شده و در آن روزگار خط افق شهر قیصریه را پوشانده بود. این احتمال وجود داشته است که حتی ابعاد این کلیسا با ابعاد ساختمان قبة الصخره قابل قیاس باشد. این منابع را ببینید: 11-12 و figs. 11-12 و Whitcomb 2011, 409-11.

57. Rabbat 1989, 12.

58. برای دیگر منابع غیرعربی معاصر با سال‌های آغازین اسلام این منبع را ببینید: Hoyland 1997.

59. Bishop Arculf.

60. domnan.

61. The Abbot of Iona.

62. این منبع را ببینید:

Wilkinson 2002, 18-19 (brief biographies of Arculf and Adomnan); 167-83 (translation of Adomnan's De Locis Sanctis)

63. Theophanes.

64. Anno Mundi.

65. تاریخ آفرینش (سال یک) را در سال ۴۱۲ میلادی عالمان مسیحی در اسکندریه به سال ۵۴۹۳ قبل از میلاد محاسبه کردند. این منبع را ببینید: Bickerman ۱۹۸۰، ۷۳. تاریخی که تئوفانس ارائه کرده است، چند سالی خطا دارد. تقریباً همه پذیرفته‌اند که سقوط اورشلیم به وسیله سپاه عمر بن خطاب، در اوایل سال ۶۳۸ میلادی [۱۶ یا ۱۷ هجری] رخ داده است. این منابع را ببینید: Gil 1996b, 6 و Mango 1992.

66. Theophanes, in De Boor 1883/85, I, 339.

67. Ibid., 342.

68. Cyril Mango

69. Mango 1992, 1.

۳۰ تا ۸۰ هجری] و به نظر می‌رسد بر مبنای منابع قدیمی‌تریونانی نوشته شده‌اند.^{۷۰} منبع نخست می‌گوید که وقتی اعراب وارد اورشلیم شدند، ایشان مستقیماً به مکانی با نام کاپیتولئون^{۷۱} رفتند و در آنجا اقدام به ساخت یک مسجد کردند. این منبع اضافه می‌کند که بطریق سوفرونوس^{۷۲} که در زمان ورود اعراب به اورشلیم در سال ۶۳۸ میلادی [۱۶ یا ۱۷ هجری] منصب مذهبی داشت، در زمان ساخت این مسجد زنده بوده است. بنابراین ساخت مسجد باید در همین زمان رخ داده باشد، چراکه جناب بطریق در سال ۶۳۹ یا ۶۴۰ میلادی [۱۸ هجری] درگذشته است.^{۷۳} در دومین منبع گرجی اشاره شده است که کاپیتولئون (همان مکانی که در متن گرجی نخست گفته شد اولین مسجد در آنجا ساخته شده است) در محوطه حرم شریف و با احتمال فراوان در محل معبد باستانی مقدس یهودیان قرار داشته؛ زیرا از آن با عنوان «معبد خداوند»^{۷۴} یاد شده است. کریل مانگوا احتمال می‌دهد که ممکن است این همان معبد واقعی ژوپیترباشد؛ همان که در ابتدای این نوشتار دیون کاسیوس به آن اشاره کرده یا اینکه اشاره‌ای است به مکانی خاص. برای اینکه این معبد با وجود اینکه طرح ساختش ریخته شد، هیچ‌وقت ساخته یا تکمیل نشد.^{۷۵}

این شواهد و مکتوبات مسیحی تا حد قابل توجهی با آنچه در نقل‌های قدیمی اسلامی درباره آغاز حکومت مسلمانان بر اورشلیم آمده است همخوانی دارند. اگرچه نوشته‌های اسلامی در این باب، مدت‌ها بعد از این منابع مسیحی نگاشته شده‌اند. در نقلی از رجاء بن حیوة (اوایل قرن هشتم میلادی [اواخر قرن اول هجری]) که طبری (۸۳۹ تا ۹۲۳ میلادی [۲۲۴ تا ۳۱۱ هجری]) عالم و مورخ ایرانی هم به آن استناد کرده است،^{۷۶} عمر بن خطاب در هوای گرگ و میش غروب به همراه جمعی از همراهانش وارد محوطه معبد شد، در حالی که کعب الاحبار هم او را همراهی و راهنمایی می‌کرد. کعب الاحبار یک یمنی سابقاً یهودی و اکنون مسلمان شده بود که در منابع اسلامی به عنوان فردی مطلع از سنت‌ها و منابع روایی یهود شناخته می‌شود. عمر و همراهانش در قله محوطه حرم شریف توقفی کوتاه کنار «سنگ جلوآمده»^{۷۷} (صخره) کردند و همین مکان بود که کعب الاحبار از آن با عنوان محراب داود یاد کرد که در قرآن به طور ضمنی به آن اشاره شده است.^{۷۸} عمر دستور داد تا حجم زباله‌ای که محوطه را در بر گرفته بود خارج کنند و بعد هم آنجا برای خواندن نماز توقف کردند.^{۷۹}

این روایت و دیگر منابع روایی مربوط به فتح اورشلیم که در منابع نخستین اسلامی آمده‌اند، همگی تمرکزشان بر شناسایی و تقدیس محوطه معبد باستانی مقدس یهودیان است. این منابع براهمیت اورشلیم برای یهودیان و البته دل‌مشغولی ایشان از متروک ماندن حرم شریف تأکید دارند. در واقع این مهجوربودن اورشلیم و حرم شریف را در پی قرن‌ها مدیریت و سرپرستی مسیحیان بر این مکان مقدس و تلاش ایشان برای محوکردن آثار این معبد یهودیان می‌دانند.^{۸۰}

روایات نخستین یهودی، البته با جزئیات دراماتیک کمتری، با گفته‌های طبری در این بخش منطبق هستند. در همین راستا نامه‌ای از آکادمی اورشلیم (یشیوا^{۸۱}) به یکی از گروه‌های آواره یهودی^{۸۲} (احتمالاً در مصر) در جنیزای قاهره^{۸۳} یافت شده است که تاریخ آن به میانه قرن یازدهم میلادی [میانه قرن پنجم هجری] برمی‌گردد. در این نامه

70. Flusin 1992, 17-19.

71. Kapitolion

72. Patriach Sophronius

73. von Schönborn 1972, 97 n. 136.

74. Flusin 1992, 25-31.

75. Mango 1992, 2-3.

۷۶. طبری (ترجمه و تحشیه فریدمن ۱۹۹۲)، ۱۹۴ تا ۱۹۵.

77. Protruding rock.

۷۸. سوره صاد، آیه ۲۱. درباره منبع اصلی برابر شمردن محراب داود با صخره این منبع را ببینید: Busse ۱۹۸۴، ۷۹، ۹۹.

79. Gil 1996a, 163-64.

80. Ibid., 165.

81. yeshiva

82. Diaspora

۸۳. Cairo Geniza. جنیزا در دین یهود مکانی است که معمولاً در قبرستان‌ها یا معابد یهودی برای دفن کتب مقدس فرسوده شده ساخته می‌شود. (مترجم)

ذکر شده است زمانی که اعراب به اورشلیم رسیدند، یهودیانی آنها را همراهی می کردند که محل معبد را به آنها نشان می دادند.^{۸۴} در یک منبع وقایع نگاری یهودی عربی از همان منبع مصری و مربوط به همان تاریخ (که اکنون در کتابخانه دانشگاه کیمبریج نگهداری می شود) آمده است که به مسلمانان و یهودیان دستور داده شد تا با نظارت دقیق عمر بن خطاب زباله های موجود در محوطه حرم شریف را جمع آوری کنند:^{۸۵}

عمر بر تمام فرایند جمع آوری نظارت می کرد. هر وقت [از زیر این زباله ها] اثری باستانی رخ می نمود او از کهنسالان یهود حاضر در جمع درباره صخره . یعنی سنگ زیربنای معبد . سؤال می پرسید و در این موقع معمولاً یکی از حکمای جمع به نقاط انتهایی محوطه اشاره می کرد تا اینکه صخره از زیر آوار خارج شد

یکی از متون اولیه مسلمانان که در آن به طور خاص به حرمت و قداست معبد اشاره شده، نوشته ای از ابو خالد طاهر بن یزید کلایی است. او از نزدیکان منصور عباسی بود که در حمص زندگی می کرد و در سال ۷۷۰ میلادی [۱۵۳ هجری] در اورشلیم درگذشت. در این نوشته این گونه آمده است:^{۸۶}

مقدس ترین نقطه زمین [al-quds] سوریه است؛ مقدس ترین نقطه سوریه فلسطین است؛ مقدس ترین نقطه فلسطین اورشلیم [Bayt al-Maqdis] است؛ مقدس ترین نقطه اورشلیم کوه^{۸۷} است؛ مقدس ترین نقطه کوه (کوه خانه مقدس) محل پرستش واقع در آن است [al-masjid] و مقدس ترین مکان این مسجد، قبه است.

همان طور که جان ون اس^{۸۸} اشاره کرده است (پانوشت شماره ۸۹) در واقع این روش اشاره کردن با اندکی تغییر، از یک گزاره قدیمی تریهودی درج شده در میدراش تانخوما،^{۸۹} کادوشیم ۱۰ اخذ شده است:

سرزمین اسرائیل در مرکز زمین واقع شده است، اورشلیم در مرکز اسرائیل قرار گرفته است، معبد در مرکز اورشلیم واقع شده است، قدس الاقداس^{۹۰} در مرکز معبد قرار دارد، تابوت عهد^{۹۱} در مرکز قدس الاقداس قرار دارد و صخره آفرینش^{۹۲} که جهان از آن بنیان گذاشته شد در مقابل قدس الاقداس.

از آنجا که این نویسنده عرب (طاهر بن یزید) عبارت بیت المقدس را برای معبد^{۹۳} (همان طور که در عبری هم آمده است Bēt ha-Miqdash) و نه برای اورشلیم به کار برده، مجبور شده است که کوه (کوه موریا) را نیز به عنوان مکان معبد به نوشته خود اضافه کند و به طور کاملاً طبیعی^{۹۴} طاهر عبارت قبه الصخره را جایگزین معبد مقدس^{۹۵} کرده است. با وجود این، سبط بن جوزی (۱۱۸۶ تا ۱۲۵۶ میلادی [۵۸۲ تا ۶۵۴]) در روایتی که در کتاب مرآة الزمان درباره تاریخ ساخت قبه الصخره آورده است، تصریح می کند که کعب الاحبار از عبارت معبد^{۹۶} (al-Haykal) برای این

84. Document in the Firkowicz Collection, St. Petersburg; see Gil 1983, vol. 3, 14-18 (no. 420); idem 1996a, 167 and n. 4.

85. Cairo Geniza Collection, document T-S 6.1; see Gil 1983, vol. 2, 1-3 (no.1); idem 1996a, 167.

86. J. van Ess 1992, 89.

۸۷. اشاره به کوه موریا. (مترجم)

88. John van Ess.

۸۹. Midrash Tanhuma یکی از مجموعه کتاب های تفسیری است که شامل قوانین فقهی و همچنین داستان های تاریخی است که در طول قرن ها نگارش یافته و با نام تانخوما، اولین شخصیتی که در کتاب ها ظاهر می شود، نام گذاری شده است. (مترجم)

90. The Holy of Holies [hahēhal].

91. the Ark of the Covenant.

92. Foundation rock.

93. Temple.

۹۴. حسب اینکه مسلمان است. (مترجم)

95. Temple sanctuary.

96. Temple.

بنا استفاده کرده است.^{۹۷} اولگ گرابر^{۹۸} می‌آورد که در تمامی متون اولیه، تمام محوطه حرم شریف عمدتاً به عنوان محوطه معبد یهودیان نمایانده شده است.^{۹۹}

علاقه شدید طاهربن یزید به اورشلیم و حرم شریف، به جای مکه و کعبه تا حدودی برای عصر عباسیان غیرعادی است. به نظر می‌رسد این برتری دادن اورشلیم و حرم شریف به نوعی با این حقیقت که خاندان طاهربن یزید در سوریه زندگی می‌کرده‌اند، ارتباط دارد، اگرچه ریشه‌هایی هم در عربستان جنوبی دارد. (ون اس، سال ۱۹۹۲، ۹۰) البته ابوطاهر بنا به نقل محمد بن احمد واسطی خطیب مسجد الاقصی در اوایل قرن یازدهم میلادی [اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری] اشاره می‌کند که بنا بر نظر کعب الاحبار (که بیانگر دیدگاه یهود است) اورشلیم به جای ایلیا در واقع باید بیت‌الله المقدس نامیده شود. (ون اس، سال ۱۹۹۲، ۹۷ شماره ۵۳) طاهربن یزید به وضوح بازتابی از عقیده و نقطه نظر نسل‌های پیشین است.

این گونه به نظر می‌رسد که محتوای تصویری موزاییک‌های اموی قبة الصخره که ساختار اصلی خود را به طور کامل در طول زمان حفظ کرده‌اند، گزاره وجود ارتباط بین قبة الصخره و معبد مقدس باستانی یهود را تقویت می‌کند.^{۱۰۰} در این تصاویر به طواغیان‌ها از محتوای تصویری انسانی و حیوانی اجتناب شده است و تصاویر عمدتاً تصویری گیاهانند، بیشتر شامل حلقه‌هایی شبیه به خوشه‌های تاک که دور دسته‌هایی از میوه‌های گوناگون. عمدتاً انگور، درخت خرما و دیگر درختان. تاییده شده و جلومی‌روند.^{۱۰۱} همچنین نقوشی شامل طرح‌واره‌هایی بال دار که تاج‌هایی را در بر گرفته‌اند دیده می‌شود. این طور به نظر می‌رسد که گیاهان پیچیدگی‌گونه اشاره‌ای‌اند به حلقه‌های تاک با خوشه‌هایی از انگور طلایی که خود تصویری مشهور از حرم در معبد هرود^{۱۰۲} بوده است.^{۱۰۳} همچنین طرح‌واره‌های بال‌داری که ذکر شد، احتمالاً اشاره‌هایی‌اند به فرشتگان مقرب که در اطراف تابوت عهد که در قدس الاقدس در معبد سلیمان نگهداری می‌شد، طراحی شده‌اند.^{۱۰۴} حتی ذکر تاج‌هایی که به آنها اشاره شد در شرح ذکر شده در میشنا بر معبد مقدس آمده؛ دقیقاً در همان پاراگرافی که شرح تاک‌های طلایی ذکر شده است.^{۱۰۵} فراتر از این، گفته شده است که حتی طول و عرضی که برای ساختن قبة الصخره لحاظ شده با تقریب خوبی همان ابعادی است که در میشنا و کتاب یوسف فلاوی برای معبد مقدس ذکر شده است.^{۱۰۶}

تصویری که طیف گسترده‌ای از منابع مکتوب درباره اسلام ارائه می‌دهند و البته این تصویر با مدارک موجود در

۹۷. Elad 1995, 58, 162. (برای مشاهده یک منبع اسلامی دیگر که همین موضوع را تصدیق می‌کند). متن کامل عربی و ترجمه انگلیسی توصیف سبط بن جوزی از قبة الصخره در کتاب مرآة الزمان (Bodleian Library, ms. Marsh 289, fols. 153b-155b) در این منبع آمده است. (Arabic): Elad 1992, 53-58 (English): 33-38

98. Oleg Grabar.

99. Grabar 1987, 51.

۱۰۰. Soucek (1976, 85-88, 95-98, 109) و Shani (1999) در این منابع درباره این موضوع بحث می‌کنند که نما و معماری باشکوه و مجلل قبة الصخره می‌تواند در بردارنده آگاهی و اطلاع سازندگان این ساختمان نسبت به معبد باستانی بنی اسرائیل باشد. به نظر Shani (ibid., 107) در بعضی از طرح‌های تزئینی موجود در قبة الصخره اشارات خاصی به معبد سلیمان وجود دارد. این موضوع او را قانع می‌کند که مبنا بر این بوده است که قبة الصخره «جانسین واقعی معبد سلیمانی» باشد.

۱۰۱. حتی ساختمان‌ها که به طرز مشهودی در نمای اموی مسجد بزرگ دمشق قابل ملاحظه‌اند، در موزاییک‌های قبة الصخره دیده نمی‌شوند. دلیل این موضوع می‌تواند ارتباط ساختمان‌ها با انسان و ساخته دست انسان بودنشان باشد. (Rosen Ayalon (1989, 46-49) گفته است که طرح نمای قبة الصخره حاوی یک پیام معادشناسانه است که اشاره‌ای به روز رستاخیز دارد.

102. Herod's Temple.

103. Jos., BJ 5.210; AJ 15.395; Tac., Hist. 5.5.5: m.Midd. 3.8.

104. 1 Kgs 8.6-7; 2 Chron 5:7-8; cf. 1 Chron 28.18.

105. m.Midd. 3.8; cf. Jos., AJ 14.488.

۱۰۶. طول و عرض معبد هرود = ۱۰۰ آژش (Jos., BJ 5.207; m.Midd. 4.6-7) = ۴ / ۶ متر، بر مبنای فوت آتنی که هر فوت ۳۰۸ / متر است، با ۳ فوت = ۲ آژش؛ و ۶۰۰ فوت = ۱ استادیای آتنی که ۱۸۵ متر می‌شود. این منابع را ببینید Jacobson 1990/91, 49 و (Cuntz 1923, 111 (on the Attic stadion)). برای مقایسه، قطر قبة الصخره نسبت به نماهای هشت وجهی آن ۳ / ۴۹ متر است. این منبع را ببینید: Wikinson 1981, 168, table 3. یک فوت که معادل ۳۰۸ / متر است، تقریباً با عدد ۳۰۹ / که R. Grafman از روی بازمانده‌های تالار رویایی هرود در بازسازی آن در انتهای جنوبی حرم شریف به دست آورد همخوانی دارد. این منبع را ببینید: Grafman 1970.

قبة الصخره نیز تقویت می‌شود، گویای این حقیقت است که بسیاری از باورها و تکالیف دینی مسلمانان صدر اسلام به شدت متأثر از یهودیت بوده است^{۱۰۷} و این اسلام رسمی که اکنون ما آن را می‌شناسیم در طول زمان توسعه پیدا کرده و به شکل امروزی خود رسیده است. از طرفی اکثر مستشرقان به شدت منتقد فرضیه رادیکالی هستند که پاتریشیا کرون^{۱۰۸} و مایکل کوک^{۱۰۹} پیشنهاد کردند. این فرضیه می‌گوید: «مسلمانان صدر اسلام در ابتدا ادامه یک جریان ارتدادی مذهبی یهودی مسیحی^{۱۱۰} بودند. یا حداقل خود را این گونه می‌پنداشتند. که در واکنش به هتک حرمتی که جریان غالب مسیحیت بیزانسی نسبت به محوطه معبد روا داشت، به وجود آمد». البته و از طرف دیگر سلیمان بشیر^{۱۱۱} از طریق خوانش بی‌طرفانه‌ای که از منابع داشته، نشان داده است که به سختی می‌توان این ایده را پذیرفت که اسلام از بستر یهودی و مسیحی برآمده است.^{۱۱۲}

عبدالملک بن مروان در طول دهه ۶۹۰ میلادی [۷۱ هجری] انجام یک سری از امور اجرایی بنیادین و باز طراحی برخی از امور دینی را عهده‌دار شد.^{۱۱۳} یکی از مظاهراین تغییرات مهم بازسازی بنیادی موضوع ضرب سکه بود. تا آن زمان امویان از سیستم پولی موجود که متعلق به اسلاف ساسانی و بیزانسی ایشان بود استفاده می‌کردند و بر روی سکه‌ها تصویر نقش می‌شد که در این دوره تصویر خود خلیفه بر روی سکه دیده می‌شود. (تصویر شماره دو) در سال ۷۷ هجری یک واحد پول یکپارچه به وجود آمد و تصویر انسان روی سکه‌های قدیمی جای خود را به متن در سکه‌های جدید داد؛ متنی‌هایی عمدتاً قرآنی که شامل شهادتین نیز بودند. (تصویر شماره چهار)^{۱۱۴} درست مانند خط‌نگاشته‌های موزاییکی قبة الصخره، سکه‌ها نیز بر یگانگی خداوند و نبوت و خاتمیت محمد تأکید دارند.^{۱۱۵} در کنار ساخت قبة الصخره، عبدالملک به عنوان آغازگر عملیات ساخت مسجد اموی الاقصی در قسمت جنوبی تپه مقدس اشتهار دارد. آغاز ساخت این مسجد بعد از ساختن قبة الصخره بود و در زمان پسرش ولید بن عبدالملک (خلیفه از ۷۰۵ تا ۷۱۵ میلادی [۸۶ تا ۹۶ هجری]) تکمیل شد.^{۱۱۶}



۱۰۷. برای مثال اعمال و مناسکی که در سال‌های ابتدایی اسلام در قبة الصخره انجام می‌شده است، به نظر می‌رسد که به نوعی بازتابی از اعمال و مراسمی بوده که در معبد باستانی یهود انجام می‌شده است. (Elad 1995, 162-63 and nn. 61-64.)

108. Patricia Crone.

109. Michael Cook.

۱۱۰. Judeo-Christian اصطلاحی است که عده‌ای با این مضمون به کار می‌برند که مسیحیت در واقع مشتق شده از یهودیت است. (مترجم)

111. Suliman Bashear.

۱۱۲. به این منبع رجوع شود: Bashear 1989 و از همین نویسنده: The title "Fārūq" and its association with 'Umar I, Studia Islamica 72, 1990.

۱۱۳. عبدالملک بن مروان به عنوان مجری سیاست‌های عربی‌سازی (عربی‌را زبان رسمی در تمام خلافت اموی تعیین کرد) و اسلامی‌سازی (منظور از اسلامی‌سازی گسترش اسلام در میان غیر اعراب و تبدیل کردن دین به زبان سیاسی قوانین است) شناخته می‌شود. بنا به توضیحات این منبع Robinson 2005, 93-100, 123-28 او همچنین یکپارچه‌سازی نسخه‌های مختلف موجود از قرآن را برای چاپ نسخه‌ای واحد عهده‌دار شد. خط واحدی را بنیان نهاد و استفاده از آن را نیز به موقع اجرا گذاشت. درباره اصلاحاتی که عبدالملک در زمینه ضرب سکه انجام داد رجوع شود به: ibid., 71-75.

114. Ibid., 73-75; Grierson 1960; cf. Bacharach and Anwar 2012.

۱۱۵. سکه‌های بعد از دوره اصلاحات عبدالملک که به وسیله وی و جانشینان اموی اش در اورشلیم ضرب شدند، همچنان نام شهر محل ضرب سکه را ایلیا می‌نوشتند. رجوع شود به: Baidoun 2015/16, 145-46.

۱۱۶. برای خواندن یک بحث درباره تاریخ ساخته شدن مسجد الاقصی به وسیله خلفای اموی رجوع شود به: Elad 1995, 29-39 و Creswell 1969, 373-74. درباره طراحی این ساختمان و شباهتش با مسجد بزرگی که ولید بن عبدالملک در دمشق ساخته است رجوع شود به: Grafman and Rosen-Ayalon 1999.

تصویر شماره چهار: دینار بعد از دوره اصلاحات عبدالملک، سال ۷۷ هجری. (جنس سکه: طلا. قطر: ۲۰ میلی‌متر. وزن: ۴/۲۴ گرم) محل ضرب ذکر نشده است (دمشق؟) تاریخ سکه: ۶۹۶ تا ۶۹۷ میلادی [۷۷ تا ۷۸ هجری]. روی سکه: لا اله الا الله وحده لا شریک له در سه سطر. در حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله. پشت سکه: الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد در سه سطر. در حاشیه: ضرب هذا الدینار فی سنة سبع و سبعین. مرجع سکه: Nicol ۲۰۰۹, no. ۱; Walker ۱۹۵۶, ۱۸۶. CNG Triton XIX (۴ Jan. ۲۰۱۶), lot ۷۱۲. Courtesy of Classical Numismatic Group, Inc

در متنی که کمی قبل تر از طبری آورده شد و از متنی نوشته شده در اوایل قرن هشتم میلادی [اواخر قرن اول هجری] اخذ شده گفته شده است که عمر و کسانی که او را همراهی می‌کردند، هنگام توقف در کنار صخره سوره‌های صاد و اسرا را می‌خواندند. در سوره صاد درباره عقاید و باورهای پیشااسلامی سخن گفته شده و در آنجا ارجاعاتی به برخی از شخصیت‌های مهم کتاب مقدس نظیر حضرت داود آمده است. در سوره اسرا نیز به سفر شبانه حضرت محمد (اسرا) پرداخته شده و از این دوره گذر است که به ارتباط صخره با پیامبر اسلام اشاره می‌شود (باوری که در میان طیف وسیعی از مسلمانان پذیرفته شده است). دقیقاً همان هدفی که عبدالملک با نهادن نام الاقصی بر روی آن مسجد بزرگ دنبال می‌کرد و این نام‌گذاری می‌توانست فرایند اعتباربخشی به اورشلیم برای انجام فریضه حج را تسهیل کند. به نظر می‌رسد که ارتباط بین صعود پیامبر به آسمان (معراج) و صخره نیز اندکی بعد از این وقایع مطرح شده باشد.

قرن هشتم میلادی [اواخر قرن اول تا اواخر دوم هجری] شاهد شکل‌گیری یک گونه جدید در ادبیات عرب با عنوان فضایل‌البلدان یا آثار در ستایش شهرها و سرزمین‌ها بود.^{۱۱۷} این گونه آثار تمرکزشان بر روی افسانه‌ها و روایت‌هایی بود که بیانگر عظمت و شکوه شهرها و اماکن بودند. نمونه‌های نخستین این کتاب‌ها در مدح و ستایش مکه و مدینه نگاشته می‌شدند، اما بعدها شهرهای دیگری هم موضوع این گونه ادبی شدند. شهر برجسته‌ای که در لیست‌های آثار قرن‌های اولیه اسلام نامی از آن دیده نمی‌شود، اورشلیم است. با توجه به گفته اسحاق حسون^{۱۱۸} نخستین نمونه از این دست آثار که در ستایش اورشلیم نوشته شده است، فضایل بیت المقدس از ابوالعباس ولید بن حماد رملی^{۱۱۹} (متوفای حدود ۹۱۲ تا ۹۱۳ میلادی [۲۹۹ تا ۳۰۰ هجری]) است که خود کتاب باقی نمانده و فقط در منابع دیگر آمده است.^{۱۲۰} نخستین تألیفات فضایل‌نگاری درباره اورشلیم که به طور کامل باقی مانده‌اند، آثار واسطی و ابوالمعالی مشرف بن مرقه هستند (نیمه نخست قرن یازدهم میلادی [اواخر قرن چهارم تا میانه قرن پنجم هجری]).^{۱۲۱} در این قرن دو فضایل‌نگاری دیگر که به اورشلیم اختصاص داده شده بودند نیز نگاشته شده است و از آن تاریخ به بعد جریان پیوسته‌ای از نگارش این قسم آثار درباره اورشلیم تا قرون میانه دیده می‌شود، اما چرا نخستین آثاری که به ستایش اورشلیم می‌پردازند این قدر دیرتر از نمونه‌های مشابه برای دیگر شهرها نگاشته شده‌اند؟ دلیل این موضوع به نظر نبود ارتباطی به رسمیت شناخته شده میان محمد و شهر اورشلیم در قرن هفتم میلادی [قرن اول هجری] است. با توجه به مدارکی که ارائه شد می‌توان فهمید که مدتی زمان صرف شد تا این باور شکل بگیرد.

به نظر می‌رسد که محمد بن عمرو اقدی (م ۲۰۷ هجری / ۸۲۲ میلادی) در جرگه نخستین نویسندگانی است که از لفظ القدس برای اورشلیم استفاده کرده است^{۱۲۲} و قدیمی‌ترین سکه‌ای که نام عربی فعلی قدس برای اورشلیم روی

117. Hasson 1996.

118. Isaac Hasson.

119. Abū'l-'Abbās al-Walid ibn Ḥammād al-Ramlī.

120. Hasson 1996, 350.

121. Kaplony 2002, 9.

122. El-Awaisi 2011, 29.

آن نوشته شده است در سال ۸۳۲ میلادی [۲۱۷ هجری] در زمان مأمون خلیفه عاسی ضرب شده است.^{۱۲۳} (تصویر شماره ۵) اوایل قرن یازدهم میلادی [اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری] بود که حرم واقع در اورشلیم به عنوان مقصد سفر شبانه پیامبر (اسرا) در نظام اعتقادی مسلمانان تثبیت شد. به همین دلیل است که در متن تقدیمه نوشته شده بر روی موزاییک شیشه‌ای طلایی سبزرنگی که روی طاق ورودی شبستان اصلی مسجد الاقصی نگاشته شده است، کلمه به کلمه آیه نخست سوره اسرا آمده است. این تقدیمه را خلیفه فاطمی قرن یازدهم، الظاهر (۱۰۲۱ تا ۱۰۳۶ میلادی [۴۱۲ تا ۴۲۷ هجری]) نگاشته است.^{۱۲۴}

۴. نتیجه

در این پژوهش با بررسی انواع گوناگونی از مدارک، مستندات، منابع کتیبه‌ای و سکه‌شناسی نشان داده شده است که در چند دهه ابتدایی حکومت اعراب بر اورشلیم، این شهر جایگاهی در خور احترام داشته است. دلیل عمده حرمتی که برای شهر قائل بوده‌اند مقدس بودن و سابقه دینی اورشلیم بوده است. این تقدس هم به دلیل وجود ادیان یکتاپرستانه با سابقه در آن ناحیه و قرارداد داشتن معبد یهود^{۱۲۵} در آنجا بوده است. تحقیق بر روی منابع تاریخی نشان داده است که در نتیجه توجه بیش از پیش خلفای اموی به شهر اورشلیم و به واسطه شناخته شدن شهر به حوادث معجزه‌گون مربوط به زندگی محمد [اسرا و معراج]، در قرن هشتم میلادی [اواخر قرن اول تا اواخر دوم هجری] اورشلیم به عنوان سومین شهر مقدس مسلمانان اهمیت یافت و از زمان عبدالملک بن مروان بود که برنامه ساخت و سازها در این شهر آغاز شد. این ساخت و سازها با ساختن قبه الصخره به دست عبدالملک و همچنین ساخت مسجدی بزرگ در همان نزدیکی که نام الاقصی بر روی آن گذاشته شد،^{۱۲۶} به اوج خود رسید.



تصویر شماره پنج: مأمون (۸۱۳ تا ۸۳۳ میلادی [۱۹۸ تا ۲۱۸ هجری])، فلَس (جنس سکه: آلیاژی غیر از طلا و نقره، قطر: ۲۰ میلی متر، وزن: ۳/۶۶ گرم)، ضرب شده در اورشلیم. تاریخ سکه: ۲۱۷ هجری (۸۳۲ میلادی). روی سکه: سه سطر نوشته شده که با نواری هاشورزده در یک دایره قرار گرفته‌اند: لا اله الا الله وحده لا شریک له: در پایین هم دو هلال دیده می‌شود. پشت سکه: چهار سطر نوشته با یک دایره مرکزی: محمد / رسول / الله / بخ. نوشته جانبی: ضرب هذا الفلَس بالقدس سنة سبعة و عشرو مائین. مرجع سکه: Ilisch and Korn 1993, no. 32; Shamma 1998, no41. Numismatica Genevensis Auction 8 (24 Nov. 2014), lot 253; courtesy Numismatica Genevensis SA.

123. al-Gil 1996b, 10 and n. 13; Baidoun 2015/16, 146.

124. Kaplony, 121-22 and ill. 65.

125. Jewish Temple

۱۲۶. ما می‌دانیم که معاویه در سال ۴۰ هجری (۶۶۱ میلادی) در ایلیا به خلافت رسیده است. به این منبع رجوع شود: Gil 1996b, 11 n14. مدرکی در دست نیست که اثبات کند همان مسجدی که اسقف آرکولف در سال ۶۸۰ میلادی [۶۰ هجری] در حرم شریف دیده است، الاقصی نامیده می‌شده است (Adom- 170 و Wilkinson 2002, 1.1.14 man: مقایسه کنید 29-33 Elad 1995). این اشاره مطهر بن طاهر مقدسی در میانه قرن دهم میلادی [نیمه نخست قرن چهارم هجری] که معاویه مسجدی ساخت و نام آن را الاقصی نهاد را نمی‌توان قطعی دانست.

به نظر می‌رسد که در این مقطع زمانی بود که حادثه مهم اسرا که در سوره اسرا به آن اشاره شده است به شهر اورشلیم متصل شد و از این طریق بود که تقدس اورشلیم برای مسلمانان شدت یافت.^{۱۲۷} تا آن زمان، مفهوم قرآنی مسجد الاقصی به طور شفاف تعریف و مشخص نشده بود و این نبود شفافیت باعث می‌شد فرضیات مختلفی درباره مسجد الاقصی وجود داشته باشد که یکی از این فرضیه‌ها به یک معبد بهشتی اشاره داشت.^{۱۲۸} با گذر زمان ماجرای اسرا با موضوع معراج (رفتن پیامبر به بهشت) پیوند خورد و به مرور زمان این پیوستگی قطعیت یافت.^{۱۲۹}

موضوع مسلم و غیرقابل بحث این است که تا یک قرن بعد از سلطه اعراب بر اورشلیم، بنا بر شواهد تاریخی نظیر سکه‌ها، مهرها و مسافت‌نماها این شهر همچنان با نام رومی خود، یعنی آنیلیا (البته به فرم عربی آن یعنی ایلیا) خوانده می‌شده است. حاکمان عربی جدید این منطقه همچنان این شهر را با همان نام رومی می‌خواندند و حتی گذشته مسیحی و یهودی شهر را نیز گرامی می‌داشتند. در نهایت زمانی که اندیشه مرجعیت و مبدأ بودن اورشلیم برای سفر معجزه‌گون پیامبر قطعیت یافت. و می‌دانیم که این اتفاق در یک سوم نخستین قرن نهم میلادی [حدود ۱۸۴ تا ۲۱۸ هجری] و در زمان خلافت عباسیان رخ داده است. نام عربی اورشلیم به قدس (al-Quds) تغییر یافت.

کتابنامه

Album, S., and Goodwin, T., 2002. *Sylloge of Islamic coins in the Ashmolean Museum*, Vol.

1: *The Pre-Reform Coinage of the Early Islamic Period*, Oxford: Ashmolean Museum.

Amandry, M., and Burnett, A., 2015. *Roman Provincial Coinage: Vol. 3 Nerva, Trajan and Hadrian (AD 96-138)*, London: British Museum / Paris: Bibliothèque Nationale de France.

Amitai-Preiss, N., 2015-16. 'Early Islamic lead seals: evidence for commercial connections', *Israel Numismatic Journal* 19, 106-14.

El-Awaisi, K., 2011. 'From Aelia to al-Quds: the names of Islamic Jerusalem in the early Muslim period', *Mukadimme* 4, 1-41.

Bacharach, J. L., and Anwar, S., 2012. 'Early versions of the shahāda: a tombstone from Aswan of 71 A.H., the Dome of the Rock, and contemporary coinage', *Der Islam* 89.1-2, 60-69.

Baidoun, I. M., 2015-16. 'Arabic names of Jerusalem on coins and in historical sources until the early 'Abbāsīd period', *Israel Numismatic Journal* 19, 142-50.

Bashear, S., 1990. 'The title "Fārūq" and its association with 'Umar I', *Studia Islamica* 72, 47-70.

Bashear, S., 1989. 'Qur'ān 2:114 and Jerusalem', *BSOAS* 52, 215-38.

Bickerman, E. J., 1980. *Chronology of the Ancient World (Aspects of Greek & Roman Life)* (2nd edn.). Ithaca, NY: Cornell University Press.

Blair, S. S., 1992. 'What is the date of the Dome of the Rock?', in Raby and Johns (eds.) 1992, 59-87.

Busse, H., 1984. 'Omar b. al-Ḥaṭṭāb in Jerusalem', *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 5 (Colloquium: From Jāhiliyya to Islam, part 2), 73-119.

Busse, H., 1981. 'Monotheismus und islamische Christologie in der Bauinschrift des Felsendoms in Jerusalem', *Theologische Quartalschrift* 161, 168-78.

Creswell, K. A. C., 1969. *Early Muslim Architecture*, Vol. 1 in 2 parts, Oxford: Oxford University Press.

Cuntz, O., 1923. *Die Geographie des Ptolemaios: Galliae, Germania, Raetia, Noricum, Pannoniae, Illyricum, Italia*. Handschriften, Text und Untersuchung, Berlin: Weidmann.

De Boor, C., (ed.), 1883-85. *Theophanes, Chronographia* (in *Corpus Scriptorum Historiae Byzantinae*, ed. B. G. Niebuhr), 2 vols., Leipzig: B. G. Teubner.

Di Segni, L., 2014. 'Epiphanius and the date of foundation of Aelia Capitolina', *Liber*

127. Hasson 1996, 357-58.

128. *Ibid.*, 358.

129. *Ibid.*, 358-359; van Ess 1992, 92-93.

- Annus 64, 441-51.
- Di Segni, L., 1997. 'The Greek inscriptions of Hammat Gader', in Y. Hirschfeld, *The Roman Baths of Hammat Gader (Final Report)*, Israel Exploration Society: Jerusalem, 185-266.
- Di Segni, L., and Tsafir, Y., 2012. 'The ethnic composition of Jerusalem's population in the Byzantine period (312-638 CE)', *Liber Annus* 62, 405-54.
- Elad, A., 2008. 'Abd al-Malik and the Dome of the Rock: a further examination of the Muslim sources', *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 35, 167-226.
- Elad, A., 1995. *Medieval Jerusalem and Islamic Worship: Holy Places, Ceremonies, Pilgrimage (Islamic History and Civilization: Studies and Texts 8)*, Leiden / New York / Köln: E. J. Brill.
- Elad, A., 1992. 'Why did 'Abd al-Malik build the Dome of the Rock? A re-examination of the Muslim sources', in Raby and Johns (eds.) 1992, 33-58.
- Ettinghausen, R., and Grabar, O., 1987. *The Art and Architecture of Islam 650-1250*, Harmondsworth: Penguin Books.
- Flusin, B., 'L'esplanade du Temple à l'arrivée Arabes d'après deux récits byzantines', in Raby and Johns (eds.) 1992, 17-31.
- Foss, C., 2008. *Arab-Byzantine Coins. An Introduction, with a Catalogue of the Dumbarton Oaks Collection*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Gil, M., 1996a. 'The Jewish community', in J. Prawer and H. Ben-Shammai 1996, 163-200.
- Gil, M., 1996b. 'The political history of Jerusalem during the Early Muslim period', in J. Prawer and H. Ben-Shammai (eds.) 1996, 1-37.
- Gil, M., 1992. *A History of Palestine, 634-1099*, Cambridge / New York: Cambridge University Press.
- Gil, M., 1983. *Palestine during the First Muslim Period (634-1099)*, 3 vols., Tel Aviv: Tel Aviv University [Hebrew].
- Goodwin, T., 2005. *Arab-Byzantine Coinage (Studies in the Khalidi Collection 4)*, London: Nour Foundation / Azimuth Editions.
- Grabar, O., 1959. 'The Umayyad Dome of the Rock in Jerusalem', *Ars Orientalis* 3, 33-62.
- Grafman, R., 1970. 'Herod's foot and Robinson's Arch', *IEJ* 20, 60-66.
- Grafman, R., and Rosen-Ayalon, M., 1999. 'The two great Syrian Umayyad mosques: Jerusalem and Damascus', *Muqarnas* 16, 1-15.
- Grierson, P., 1960. 'The monetary reforms of 'Abd al-Malik', *Journal of the Economic and Social History of the Orient* 3, 241-264.
- Hasson, I., 1996. 'Jerusalem in the Muslim perspective: the Qur'an and tradition literature', in Prawer and Ben-Shammai (eds.) 1996, 349-385.
- Hoyland, R. G., 1997. *Seeing Islam As Others Saw It. A Survey and Evaluation of Christian, Jewish and Zoroastrian Writings on Early Islam (Studies in Late Antiquity and Early Islam 13)*, Princeton, NJ: The Darwin Press.
- Ilisch, L., and Korn, L., 1993. *Sylloge Numorum Arabicorum Tübingen. Palästina: IVa Bilād aš-šām I*, Tübingen: Ernst Wasmuth.
- Isaac, B., 1980/81. 'Roman colonies in Judaea: the foundation of Aelia Capitolina', *Talanta* 12/13, 31-54 = idem 1998, *The New East under Roman Rule: Selected Papers*, Leiden / New York/ Koln: Brill, 87-111.
- Jacobson, D. M., 1990/91, 'The plan of Herod's Temple', *BALAS* 10, 36-66.
- Kaplony, A., 2009. '635/638-1099: The mosque of Jerusalem (Masjid Bayt al-Maqdis)', in O. Grabar and B. Z. Kedar (eds.), *Where Heaven and Earth Meet: Jerusalem's Sacred Esplanade*, Jerusalem: Yad Ben-Zvi / Austin, Tx: University of Texas Press, 101-131.
- Kaplony, A., 2002. *The Ḥaram of Jerusalem 324-1099. Temple, Friday Mosque, Area of Spiritual Power (Freiburger Islamstudien 22)*, Wiesbaden: Franz Steiner Verlag.
- Kessler, C., 1970. 'Abd al-Malik's inscription in the Dome of the Rock: a reconsideration', *JRAS* 102, 2-14.
- Lassner, J., 2017. *Medieval Jerusalem. Forging an Islamic City in Spaces Sacred to Christians and Jews*, Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.
- Levy-Rubin, M., 2017. 'Why was the Dome of the Rock built? A new perspective on a long-discussed question', *BSOAS* 80, 441-64.
- Levy-Rubin, M., 2009. 'Were the Jews prohibited from settling in Jerusalem following the

- Arab conquest? – the authenticity of al-Ṭabarī's Jerusalem surrender agreement', *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 36, 63-82.
- Mango, C., 1992. 'The Temple Mount AD 614-638', in Raby and Johns, 1-16.
- Meshorer, Y., 1996. 'Coins of Jerusalem under the Umayyads and the 'Abbāsids', in Prawer and Ben-Shammai (eds.) 1996, 413-19.
- Meshorer, Y., 1989. *The Coinage of Aelia Capitolina*. Jerusalem: Israel Museum.
- Millar, F., 1990. 'The Roman Coloniae of the Near East: a study of cultural relations', in H. Solin and M. Kajava (eds.), *Roman Eastern Policy and other Studies in Roman History: Proceedings of a colloquium at Tvärminne 2-3 October 1987 (Commentationes Humanarum Litterarum 91)*, 7-58 = idem 2006. In H. M. Cotton and G. M. Rogers (eds.), *Rome, the Greek World, and the East*, Vol. 3: *The Greek World, the Jews, and the East*, Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press, 164-222.
- Mor, M., 2012. 'Are there any new factors concerning the Bar-Kokhba Revolt?', *Studia Antiqua et Archaeologica* 18, 161-93.
- Nicol, N. D., 2009. *Sylloge of Islamic Coins in the Ashmolean Museum, Vol. 2: Early Post-Reform Coinage*, Oxford: Ashmolean Museum.
- Nuseibeh, S., and Grabar, O., 1996. *The Dome of the Rock*, New York: Rizzoli / London: Thames and Hudson.
- Prawer, J., and Ben-Shammai, H., 1996. *The History of Jerusalem: The Early Muslim Period, 638-1099*, Jerusalem: Yad Izhak Ben-Zvi Institute / New York: New York University Press.
- Rabbat, N., 1993. 'The Dome of The Rock revisited: some remarks on al-Wasiti's accounts', *Muqarnas* 10, 67-75.
- Rabbat, N., 1989. 'The Meaning of the Umayyad Dome of the Rock', *Muqarnas* 6, 12-26.
- Raby, J., and Johns, J., (eds.), 1992. *Bayt al-Maqdis: 'Abd al-Malik's Jerusalem, Part One (Oxford Studies in Islamic Art 9)*, Oxford: Oxford University Press.
- Robinson, C. F., 2005. *'Abd al-Malik (Makers of the Muslim World)*, Oxford: Oneworld Publications.
- Rosen-Ayalon, M., 1989. *The Early Islamic Monuments of al-Haram al-Sharif: An Iconographic Study (Qedem 28)*, Jerusalem: Institute of Archaeology, The Hebrew University of Jerusalem.
- Shamma, S., 1998. *A Catalogue of 'Abbasid Copper Coins*, London: al-Rafid.
- Shani, R., 1999. 'The iconography of the Dome of the Rock', *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 23, 158-207.
- Soucek, P. P., 1976. 'The Temple of Solomon in Islamic legend and art', in J. Gutmann (ed.), *Archaeological Fact and Medieval tradition in Christian, Islamic and Jewish Art*, Missoula, MT: Scholars Press, 73-123.
- al-Ṭabarī [Abū Ja'far Muḥammad ibn Jarīr], 1992. *The History of al-Ṭabarī (English translation of Ta'rikh al-Rusul wa al-Mulūk)*, Vol. 12: *The Battle of al-Qadisiyyah and the Conquest of Syria and Palestine*, translated and annotated by Yohanan Friedmann Albany, NY: State University of New York Press.
- van Ess, J., 1992. 'Abd al-Malik and the Dome of the Rock, an analysis of some texts', in Raby and Johns (eds.) 1992, 89-103.
- von Schönborn, C., 1972. *Sophrone de Jérusalem, vie monastique et confession dogmatique (Institut Catholique de Paris, Théologie Historique 20)*, Paris: Editions Beauchesne.
- Walker, J., 1956. *A Catalogue of the Arab-Byzantine and Post-reform Umayyad Coins (A Catalogue of the Muhammadan Coins in the British Museum 2)*, London: British Museum.
- Whitcomb, D., 2011. 'Jerusalem and the beginnings of the Islamic city', in K. Galor and G. Avni (eds.), *Unearthing Jerusalem: 150 Years of Archaeological Research in the Holy City*, Winona Lake, IN: Eisenbrauns.
- Wilkinson, J., 2002. *Jerusalem Pilgrims before the Crusades*, Warminster: Aris and Phillips.
- Wilkinson, J., 1981. 'Architectural procedures in Byzantine Palestine', *Levant* 13, 156-72.
- Wilkinson, J., 1976. 'Christian pilgrims in Jerusalem during the Byzantine period', *PEQ* 108, 75-101.